

## کلیله و دمنه در زبان آشوری

گرانیهاترین نسخه‌ای که از کلیله و دمنه در دست است نسخه منحصر بفردی است بزبان سریانی، که دست نویسی از آن در بخش کتب‌السنة شرقی کتابخانه دانشگاه گوتینگن آلمان نگهداری و محافظت می‌شود.<sup>۱</sup>

تهیه و ترجمه این نسخه نفیس توسط یک اسقف آشوری ایرانی به نام "پریودوت بود" که گفته می‌شود سرپرست مسیحیان امپراطوری ایران و هند بوده انجام گرفته و دانشمندان و محققین اروپایی از روی نوشته‌های عبدایشوع<sup>۲</sup> نام، که خود وی از اساقفه متعلق به کلیسای شرق آشوری و از مؤلفین و مترجمین بنام در قرون وسطی است به وجود ترجمه سریانی کلیله و دمنه و مترجم آن "پریودوت بود" پی بردند.<sup>۳</sup>

گوستاو بیگل دانشمند آلمانی<sup>۴</sup> همراه با تئودور بنفی دوست و همکار هم وطنش، از مدتها پیش مطالعاتی بر کلیله و دمنه داشتند و چون بر فهرست مجموعه کتب سریانی عبدایشوع، همچون دانشمند بزرگ فرانسوی بارون سیلوستر دوساسی دسترس یافته بودند لذا آنان نیز با نام "پریودوت بود" و آثار قلمی‌اش آشنایی داشتند و برای یافتن ترجمه سریانی از کتاب هندی کلیله و دمنه به جستجو برخاستند ولی کمتر یافتند تا اینکه بر سبیل اتفاق موضوعی پیش آمد که ماکس مولر انگلیسی<sup>۵</sup> طی مقاله‌ای آنرا شرح داده است. ماجرا که منجر به کشف و دستیابی بز تنها نسخه ترجمه سریانی موجود در جهان گردیده داستانی شیرین و شنیدنی دارد که اینک به نقل آن می‌پردازیم: \* \*

آقای تئودور بنفی اطلاع یافت، دوست و شاگرد قدیمی‌اش آلبرت سوسین<sup>۶</sup> سویسی بقصد مطالعه و دستیابی بر کتب و آثار قدیمه عازم سفر خاورمیانه است. بنفی طی نامه‌های متعددی که برای سوسین نوشت از وی تقاضا نمود چنانچه حین مأموریت، نسخی از کلیله و دمنه زبان سریانی مشاهده نماید به هر قیمتی در بدست آوردن آن دریغ نرزد. محبوب، م. ج. "درباره کلیله و دمنه" انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹ ص ۶۹ بدین منظور در بهار سال ۱۸۶۸ سوسین به شهرهای محل سکونت آشوریه سرزد، از جمله به شهر ماردین<sup>۷</sup> که در ترکیه قرار دارد رسید. به کتابخانه دیرالزعفران که کلیسایی است در میان کوهستانهای حوالی شهر، رفت. صدها مجلد از کتب خطی

۱ - Wrisht, W. " A Short History of Syriac Literature ", 1966. p. 124

۲ - Assemanus, J.S. " Bibliotheca Orientalis " vol.3 Part 1 p.219

نیایی را مشاهده نمود که جملگی در باره مسیحیت و مسیح برشته تحریر کشیده شده بودند. چون سوسین مطلوب خود را نیافت لذا به کلیسای کاتولیک‌های همان شهر مراجعه نمود و از کشیشان مقیم آنجا سؤال کرد که آیا کتب غیر دینی و فلسفی و غیره در کتابخانه کلیسا یافت می‌شود؟

کشیشی که آنجا حضور داشت بعلامت تصدیق سر خود را پایین آورد و آرام و بیصدا به خزانه رفت و تنها کتاب غیر دینی موجود در آن کتابخانه را آورده در مقابل سوسین نهاد. سوسین با اولین نگاه دریافت که هر آنچه را می‌خواسته یافته است، زیرا کلمات کلیله و دمنه با قلم قرمز و بطور مشخصی تحریر شده بود. هیجانی عظیم بر وجود سوسین مستولی گشت اما خیلی زود بر احساسات درونی خود غلبه کرد، بی آنکه مطلبی گوید به محل سکونت خود که در تأسیسات میسیونرهای مذهبی آمریکایی قرار داشت مراجعت نمود. بکمک همین میسیونرها و توسط یکی از محترمین شهر، آن کتاب را به عاریت گرفت و با فراغ بال به بررسی و مطالعه آن پرداخت؛ سوسین ضمناً خطاط ماهری را نیز استخدام نمود تا از آن نسخه نفیس رونویسی کند. طولی نکشید نسخه جدید آماده گردید و پس از مدتی در اختیار پروفیسور بنفی قرار گرفت. خواهیم دید که چگونه بنفی باتفاق آقای بیکل دست به انتشار آن زده است.

### ترجمه کلیله و دمنه به زبان پهلوی

چنین گویند: انوشیروان پادشاه ایران را اطلاع دادند که در خزاین امرای هند کتابی هست در باب تعلیم شاهزادگان و درباریان و آموختن سیاست به آنان. مطالب حکمت آمیز آن، از زبان جانوران و مرغان جمع آوری شده که خواندن آنها خالی از لطف و صفا نبوده و شخص را به وجد و شرف در می‌آورد. به همین سبب انوشیروان دستور داد تا در سرتاسر ممالکی که در تحت فرمان روائی‌اش قرار داشتند بگردند و مردی را که زبان هندی و پهلوی پارسی را بهتر از دیگران می‌داند بیابند. آخرالامر برزویه طبیب که از همه اطباء و فضلای دربار و دانشمندان مملکت برتری داشت یافتند و بحضورش آوردند. شاه به برزویه چنین گفت که در مملکت هند کتابی هست از زبان جانوران وحشی و مرغان که می‌خواهیم آن را باین دیار آورده سپس بزبان پهلوی برگردانی و برای انجام این منظور هر مقدار زر و مال لازم باشد در اختیار تو نهاده خواهد شد. برزویه این مأموریت را پذیرفت و شاه نیز به خزانه‌دار خود دستور داد پنجاه کیسه و هر کیسه محتوی ده هزار دینار در اختیار وی بگذارند.

برزویه به هند رفت، پس از تحمل مشقات و رنج فراوان کتاب مورد نظر را بیافت و به ترجمه آن مشغول گردید. بدین طریق بود که کلیله و دمنه از زبان هندی به زبان پهلوی برگردانیده شد. \*

\*\*\*

امروزه کتاب کلیله و دمنه مشتمل بر شانزده باب گردیده که نسخه اصل هندی آن ده باب بوده است (پنج باب از پنجه تنتره و پنج باب از مهابهارته و مآخذ دیگر) و ایرانیان با مهارت خاصی شش باب بر آن افزوده‌اند که سه باب به نظر می‌آید در عهد انوشیروان بآن اضافه شده باشد) ولی نسخه سریانی شامل همان ده باب است. قدر مسلم آنست که از متنی به مراتب کاملتر و قدیم تر از نسخه سانسکریتی که امروزه موجود است ترجمه گردیده و همین موضوع اعتبار نسخه سریانی را دو چندان کرده و آنرا کتابی منحصر بفرد و بسیار پر ارزش و معتبر نموده است. داستانهای کلیله و دمنه را یک فیلسوف هندی بنام بیدپای یا پیل پای که در زبان عربی ویرا اصطلاحاً بیدآوا می‌گویند برای پادشاهی دبشرم یا دبشلم نام «رای و برهن» نقل کرده است و عقیده چنین است که ابتدا از زبان هندی به زبان پهلوی پارسی ترجمه شده و نسخه سریانی برگردان نسخه پهلوی است و سپس دو قرن بعد این مقفع آنرا از زبان پهلوی، به زبان تازی برگردانیده \* \* و توسط نصرالله منشی نیز از عربی به فارسی امروزی ترجمه شده است.

\*\*\*

\* - سز دنیسن راس *Sir Denison Ross* خاورشناس معروف انگلیسی داستان رفتن برزویه به هند و آوردن کتاب کلیله و دمنه و ترجمه آنرا ساخته و پرداخته این مقفع دانسته چنین اظهار نظر می‌کند: این مقفع که خود ایرانی الاصل بوده خواسته است با جعل این داستان اعتبار و افتخاری برای هموطنان ایرانی خود کسب نماید.

و اما آقای دکتر فتح الله مجتبیایی محقق پراچ طی مقاله‌ای "ملاحظات درباره اعلام کلیله و دمنه" در مجله زبان شناسی شماره دوم سال ۱۳۶۳، که توسط مرکز نشر دانشگاهی انتشار یافته است در رد نظرات سر دنیسن راس می‌نویسد: "در اواسط قرن ششم میلادی داستانهای کلیله و دمنه به دست برزویه طیب از یکی از زبانهای هندی به زبان پهلوی در آمد و در همان روزگار نیز به زبان سریانی ترجمه شد و دو قرن بعد در اواسط قرن دوم هجری نخست عبدالله بن مقفع، سپس عبدالله به هلاب الاهوازی آنرا از زبان پهلوی به زبان تازی درآوردند.

گرچه متن پهلوی در نخستین سده‌های اسلامی از میان رفت، لیکن ترجمه سریانی و ترجمه تازی این مقفع امروز در دست است و از روی همین ترجمه‌ها و مقایسه آنها با روایات موجود پنجه تنتره می‌توان تا حدودی به چگونگی ترجمه پهلوی پی برد. "

\* \* سر دنیسن راس معتقد است این مقفع ترجمه را از نسخه زبان سریانی انجام داده و - >

کتاب کلیله و دمنه بخاطر شیرینی مطالب و مضامین حکمت آمیزش علاقمندان فراوانی دارد و طی قرون متمادی یکی از پرخواننده‌ترین و مقبول‌ترین کتاب عالم شناخته شده و علاوه بر زبانهای فارسی، آشوری، عربی به زبانهای دیگری نیز برگردانیده شده از آن جمله یک روحانی یهودی به نام رابی یونیل<sup>۱</sup> و بعدها دانشمندی بنام یعقوب بن الیازار آنرا به زبان عبری درآوردند. علمای دیگری چون ژان دو کاپو<sup>۲</sup> در سال ۱۲۶۳ میلادی و درنبوگ<sup>۳</sup> آنرا به زبان لاتینی ترجمه کردند و ترجمه دیگری توسط ریموند دوبزیه<sup>۴</sup> نیز به لاتینی صورت گرفت. منتها این ترجمه از روی متن قدیمی نسخه‌ای که به زبان اسپانیولی بوده صورت گرفته است.

دوبزیه بنا به دستور ملکه اسپانیا اقدام به ترجمه کلیله نموده است. یک ترجمه لاتین بانضمام متن یونانی، کار سیمونست<sup>۵</sup> که در سال ۱۶۹۷ صورت گرفته و در برلین به چاپ رسیده نیز مشاهده گردیده است.

در سال ۱۷۲۴ گالاندو<sup>۶</sup> آنرا به زبان فرانسه ترجمه نمود، در سال ۱۸۲۶ اسقفی به نام دوبوآ<sup>۷</sup> مستقیماً آنرا از نسخ زبان اصلی یعنی سانسکریت به زبان فرانسوی درآورده است. بطور کلی کلیله تا به امروز به دهها زبان دیگر نیز ترجمه شده که ذکر همه آنها از حوصله این مقاله خارج است و ما در اینجا به نسخی اشاره خواهیم کرد که به زبان سریانی و یا متن سریانی همراه با ترجمه آن به چاپ رسیده باشد.

\* \* \* \*

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، دانشمندان آلمانی به زبان، ادبیات و تاریخ آشوریهها تمایل فوق‌العاده نشان دادند و اکثر شرق‌شناسان آلمانی که شهرت جهانی دارند، در این زمینه تحقیقات و مطالعاتی داشته‌اند و تعدادی از آنان کتاب کلیله و دمنه را مستقیماً از زبان آشوری به زبان آلمانی ترجمه کرده و منتشر ساختند که ذیلاً به ذکر اقدامات آنها میپردازیم: مستشرق معروف آلمانی گوستاو بیکل پس از آنکه رونویسی شده کلیله سریانی را دریافت نمود، آن را ترجمه و همراه با متن، بانضمام مقدمه ماهرانه تئودور بنفی در سال ۱۸۷۶ در لپزیگ منتشر ساخت. این کتاب که حاصل سالها

تا آن تاریخ ترجمه‌ای از کلیله و دمنه به زبان پهلوی وجود نداشته است. ایضاً دکتر ذبیح الله صفا در کتاب "تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی" از انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۱ صفحات ۵۶ تا ۵۸ درباره این مقفع چنین می‌نویسد:

... وی لهجه پهلوی را بنیکی می‌دانست و عربی را نیز در محیط زندگی خود که از مراکز مهم ادبی عراق بود فراگرفت و در هر دو زبان استاد شد. .... تا آنجا که اطلاع داریم این مقفع غیر از پهلوی و عربی زبانی دیگر نمی‌دانست. بنابراین باید کتب مذکور را از زبان پهلوی به عربی درآورده باشد.

کوشش و نتیجه همکاری مشترک این دو خاورشناس نامدار آلمانی است در ۴۰۶ صفحه و تحت عنوان *Kallig und Dimnag* بچاپ رسیده است.<sup>۱۶</sup> ادوارد زاخو<sup>۱۷</sup> در کتابخانه سلطنتی برلین نسخ خطی دیگری کشف نمود و ثابت کرد که «پریودوت بود» ترجمه خود را مستقیماً از زبان اصلی هندی یعنی سانسکریت بعمل آورده است.

لوتی بلومنتال<sup>۱۸</sup> در *Zeitschrift Der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft* که در سال ۱۸۹۰ منتشر شده مطالب بسیار جالب در باره کلیله و دمنه اثر آقایان بیگل و بنفی نوشته است.

یوهانس هرتل<sup>۱۹</sup> در باره نسخه سریانی کلیله و دمنه در بیستمین شماره مجله: *Vienna Oriental Journal* که در سال ۱۹۰۶ در پایتخت اطریش منتشر شده مفصلاً انتقاد بعمل آورده است.

یکی از علمای شهیر آلمان بنام فردریک شولتس<sup>۲۰</sup> پس از سالها مطالعه و تحقیق کلیله را در دو جلد تحت عنوان *Kalila und Dimna-Syrisch und Deutsch* در وین به چاپ رسانید ولی در برلن به سال ۱۹۱۱ توزیع و منتشر نمود. جلد اول این کتاب ۲۱۴ و جلد دوم ۲۷۲ صفحه دارد و چون مستقیماً از ترجمه قدیمی سریانی «بود» برگردانده شده و در متن آن تصحیحاتی بعمل آورده، علی‌الخصوص در روشن شدن نام‌های بکار رفته در کتاب، اظهار نظرهای مفید جالب انجام گرفته لذا این کتاب، در مقام مقایسه با کتب مشابه، مقام ممتازی را دارا می‌باشد.

شولتس می‌نویسد در نسخ ترجمه شده به عربی و فارسی نام گاوی که بدست شیر کشته می‌شود شتر به<sup>۲۱</sup> نوشته شده ولی در کلیله سریانی شتر به<sup>۲۲</sup> صحیح‌تر است بکار رفته و نام مرغ دریایی طیطوی بصورت طیطوس ترجمه شده است.

یوهان شلیفر<sup>۲۳</sup> در یک مقاله تحقیقی که به سال ۱۹۱۵ در وین منتشر ساخته به بررسی و مطالعه دقیق و عمیق کلیله و دمنه شولتس پرداخته و مطالب تاریک آن را واضح و روشن ساخته است.

و اما تئودور نولدکه<sup>۲۴</sup> خاورشناس شهیر و آسورشناس برجسته آلمانی مستقلاً اقدام به انتشار متن و ترجمه دو باب بسیار معروف - شاه موشان و وزیرایش و دیگری کبوتر و روباه، نمود که در شهر گوتینگن به سال ۱۸۷۹ در ۶۸ صفحه منتشر ساخته است.

\* \* \* \*

در رأس دانشمندان انگلیسی ویلیام رایت<sup>۲۵</sup> مؤلف معروف کتاب «تاریخ ادبیات

آشوری» قرار دارد. نامبرده یک نمونه از کلیله و دمنهٔ زبان سریانی را که از نسخهٔ عربی ابن مقفع ترجمه شده بود عیناً به زبان انگلیسی برگردانیده و منتشر نموده است. این اثر در مجلهٔ سلطنتی آسیایی شمارهٔ ۷ سال ۱۸۷۵ در لندن منتشر شد.<sup>۲۶</sup> مجدداً همین دانشمند در سال ۱۸۸۴ اقدام بانشار کلیله و دمنهٔ آشوری در شهر دانشگاهی آکسفورد نموده است تحت عنوان:

*The book of Kalilah and Dimnah, Translated From Arabic into Syriac.*

داستانهای بیدپای کتابی است از دانشمند دیگر انگلیسی به نام کیت فالکونر<sup>۲۷</sup> که در سال ۱۸۸۵ در کمبریج دست به انتشار آن زده است شامل متن کلیله و دمنه زبان سریانی با ترجمهٔ انگلیسی آن تحت عنوان:

*Kalilah and Dimnah: or the Fables of Bidpai*

\* \* \* \*

نسخهٔ سریانی کلیله و دمنه پس از مدتی از کتابخانهٔ کلیسای کاتولیک‌های شهر ماردین به موصل انتقال یافت اما مدت طولانی در موصل باقی نماند زیرا توسط یک کشیش فرانسوی به نام منسنیور رنه گرافین<sup>۲۸</sup> به پاریس برده شد. دانشمند بزرگ و بلند آوازهٔ فرانسوی، بنام فرانسوا نو<sup>۲۹</sup> در بارهٔ همین نسخهٔ دست‌نویس و بی‌همتا، تحت عنوان «نسخهٔ قدیمی سریانی کلیله و دمنه» مطالبی نوشته که در ششمین شماره از سری دوم «مجلهٔ مسیحیان مشرق زمین» بچاپ رسیده است که حاوی نکات جالبی است.

نسخ سریانی کلیله و دمنه

دقیقاً نمی‌توان گفت داستانهای کلیله و دمنه در چه تاریخی سروده شده<sup>۳۰</sup> و آشوریه‌ها از چه تاریخی باین داستانها راغب گردیده و آنها را بزبان آشوری ترجمه کرده‌اند. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که اینک در دست است همان ترجمهٔ «پریودوت بود» است<sup>۳۱</sup> که اواسط قرن ششم میلادی صورت گرفته است. به عقیدهٔ آرسنامی<sup>۳۲</sup> "بود" در دوران پادشاهی خسرو انوشیروان و در تحت سرپرستی اسقف اعظم "حزقیل"<sup>۳۳</sup> نام می‌زیسته و در سال ۵۷۰ میلادی موفق باتمام ترجمه سریانی کلیله گردیده است.

یکی از اساقفه به نام عبدایشوع که در قرون وسطی می‌زیسته، ترجمهٔ "بود" را نپسندیده و بر آن ایزاداتی وارد دانسته است. بنابر این شکی نیست که خود عبدایشوع نیز کتاب کلیله و دمنه را به زبان آشوری برگردانیده و یا حداقل با نسخهٔ مطمئنی که

در دست داشته آن را مطابقت داده است.

در قرون دهم یا یازدهم میلادی یک کشیش آشوری، نسخه عربی ابن مقفع را به زبان آشوری ترجمه کرد. این همان نسخه‌ای است که توسط ویلیام رایت انگلیسی در کتابخانه کالج ترینیتی شهر دوبلین<sup>۳۴</sup> کشف و در سال ۱۸۸۴ منتشر گردید.

یک نسخه خطی دیگر که مربوط به قرن دهم یا یازدهم می‌باشد و در دو سه قرن بعد (گویا در قرن سیزدهم) قسمت‌هایی به آن اضافه شده کشف گردید که اصالت فوق‌العاده‌ای دارد. سائیدگی بیش از حد اوراق صفحات آن نشان می‌دهد که در طول سالیان دراز، توسط عده کثیری مورد استفاده قرار گرفته، و بنظر خبرگان این نسخه از نسخ مشابه دیگری که از زبان عربی ترجمه شده‌اند در درجات بالاتری قرار دارد. حتی می‌توان گفت معتبرتر از نسخه‌ای است که در مورد استنساخ دانشمند فرانسوی بارون سیلوستر دو ساسی<sup>۳۵</sup> قرار گرفته بخاطر اینکه مطالبی که در نسخ ارائه شده توسط مستشرق معروف ایتالیایی بنام گیدی<sup>۳۶</sup> و هم چنین دوساسی دیده نمی‌شوند، در نسخه زبان آشوری فوق‌الذکر وجود دارند.

\* \* \* \*

هنگامیکه ماریوسف اودو<sup>۳۷</sup> اسقف کاتولیکهای ناحیه القوشی جهت شرکت در جلسات مجمع کلیسایی به رم سفر کرد آقایان بنفی و بیگل بملاقاتش رفتند و در مورد نسخ احتمالی کلیله و دمنه سریانی در ناحیه القوشی بمذاکره پرداختند. ماریوسف اودو چون از شدت علاقه این دو دانشمند به نسخ کلیله زبان آشوری باخبر گردید تحت تأثیر قرار گرفت و با اطلاعات جامع و سودمندی که نامبردگان در مورد کلیله به وی دادند شیفته کلیله و دمنه گردید و چون به مسقط‌الرأس خود عودت نمود برادرزاده خود را که در سلک روحانیون مذهب کاتولیک قرار داشت به ترجمه کلیله و دمنه ترغیب نمود. برادرزاده وی توما اودو<sup>۳۸</sup> نامداشت بعلت صداقت و مهارتی که در زبان سریانی قدیم و جدید (آشوری قدیم و جدید) داشت بدون کمترین مشکلی دست به ترجمه آن زد و آن را در سال ۱۸۹۵ میلادی در چاپخانه فرقه مذهبی دومینیکن‌های<sup>۳۹</sup> شهر موصل به چاپ رسانید. بعلت استقبالی که از این کتاب بعمل آمد اسقف توما اودو اقدام به چاپ مجدد آن گرفت. در این زمان "اودو" اسقف شهر ارومیه و توابع آن بود لذا کتابش در مطبعه لازاریست‌های<sup>۴۰</sup> کاتولیک شهر مزبور به سال ۱۹۰۸ بچاپ رسید.

در اینجا عین نوشته استاد بزرگوار و کلیله و دمنه‌شناس معروف ایران، محمد جعفر محجوب، استاد عالی مقام دانشگاه تهران را که از صفحه ۷۸ کتاب بسیار معروفش "در

بارۀ کلیله و دمنه « انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم دیماه ۱۳۴۹ گرفته شده نقل می‌گردد:

" علاوه بر ترجمه‌های قدیم و جدید سریانی کلیله و دمنه، یک ترجمه دیگر از این کتاب به زبان سریانی صورت گرفته است که آخرین ترجمه به شمار می‌رود. این ترجمه در قرن نوزدهم میلادی به عمل آمده و کشیش عالی مقام آسوری توما اودو، که اسقف کلدانیان ارومیه (رضائیه) بود، آن را از روی ترجمه کلیله و دمنه عربی ابن مقفع به سریانی جدید یا زبان آسوری در آورده و در ۱۸۹۵ میلادی در شهر موصل به طبع رسانیده است.

این کتاب در پانزده باب است و به رسم الخط نسطوری یا سریانی شرقی و به چاپ سنگی در مطبعه آباء دمی‌نیکن به قطع جیبی چاپ شده است."

ایضاً در صفحه ۷۹، زبان این نسخه و این ترجمه با زبان نسخه‌های دوگانه قبلی کاملاً متفاوت است و این زبان که آن را زبان سریانی جدید می‌نامند، در واقع زبان زنده آسوری است که اقلیت کلدانیان و آشوریان ایران بدان سخن می‌گویند.

کشیش یوسف بیت قلیتا یکی دیگر از علماء و فضلاء بنام کلیسای شرق آشوری به مجموعه داستانهای کلیله و دمنه علاقمند گردید، در سال ۱۹۳۵ مقدمه‌ای در ۱۳۵ صفحه برای کلیله و دمنه نوشت و منتشر ساخت و سال بعد یعنی ۱۹۳۶ کلیله را به زبان آشوری جدید (زبان محاوره‌ای) ترجمه و در چاپخانه شخصی خود واقع در شهر موصل عراق بچاپ رسانید.

علاوه بر آنچه گذشت ذکر این مطلب ضروری است گفته شود که نسخ دیگری از کلیله و دمنه ترجمه شده به زبان آشوری یا وجود داشته که در طول زمان از بین رفته و یا وجود دارند که در گوشه‌ای از کتابخانه‌های معظم جهان قرار گرفته که هنوز اقدامی در جهت شناسایی و معرفی آنها نگردیده، معذک اینک اکثریت قریب باتفاق دانشمندان اروپا، داستانهای شیرین بیدپای هندی را مستقیماً از روی نسخ خطی زبان آشوری ترجمه کرده‌اند جز از اصالت ترجمه و رعایت امانت در انتقال مطالب که غالب مترجمین زبان سریانی آن را بطور کامل مراعات نموده‌اند به چیز دیگری نمی‌توان استناد نمود.

منابع و مآخذ

الف- منابع آشوری (سریانی جدید)

۱- اودو، اسقف توما. " کلیلیگ و دمنگ " ارومیه، ۱۹۰۸، مقدمه کتاب.

- ۲- بیت قلیتا، کشیش یوسف. " مقدمه‌ای فشرده در باره کلیلگ و دمنگ " موصل، ۱۹۳۵.
- ب- منابع فارسی
- ۱- ابن ندیم، محمدبن اسحاق. " کتاب الفهرست " ترجمه و تحقیق: محمد رضا تجدد. انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶.
- ۲- الگود، دکتر سیریل. " تاریخ پزشکی ایران " ترجمه محسن جاویدان. انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکاء، تهران، ۱۳۵۲.
- ۳- الگود، دکتر سیریل. " تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی " ترجمه: دکتر باهر فرقانی. انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶.
- ۴- اولیری، دلیسی. " انتقال علوم یونانی بمالم اسلامی " ترجمه: احمد آرام. انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۸۶۰، تهران، ۱۳۴۲.
- ۵- بیدپای. " داستانهای بیدپای " ترجمه محمدبن عبدالله البخاری. تصحیح: پرویز ناتل خانلری و محمد روشن. انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶- شیکهر، دکتر ایندو. « پنجا تترا » انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۷۱۰، تهران، ۱۳۴۱.
- (مقاله دکتر محمد جواد مشکور مقایسه اجمالی پنچاتترا، با ترجمه‌های سریانی، عربی، پارسی.)
- ۷- صفا، دکتر ذبیح‌الله. « تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی » انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۵۷، ۱۳۳۱.
- ۸- قریب، استاد عبدالعظیم. « متن کامل کلیله و دمنه » کانون انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۹- مجتبابی، دکتر فتح‌الله. « ملاحظاتی در باره اعلام کلیله و دمنه » در مجله زبان شناسی، سال اول، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۶۳. مرکز نشر دانشگاهی، تهران، صفحات ۳۳ تا ۶۳.
- ۱۰- محبوب، دکتر محمد جمفر. « در باره کلیله و دمنه » انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۴۹.

ج- منابع خارجی

(1)- *Assemanus, Joseph Simonius " Bibliotheca Orientalis Clementino Vaticana*

" *Tomi Tretii, Pars Prima. PP.219-223, Roma, 1725.*

(2)- *Blumenthal, Louis. Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft, Vol.44. 1890.*

(3)- *Encyclopaedia Americana. Vol.3, P.687, 1983. " Bidpal "*

- (4) - *Encyclopaedia Britanaca. Vol.XXII,1887.* " Syriac Literature " an article by William Wright
- (5)- *Encyclope, die De L Islam. Tom II," Kalila Wa Dimna.*
- (6)- *Hertel,Johanes. " Viena Oriental Journal." Vol.20,1906.*
- (7)- *Moss,CyriL. Catalogue of Syriac Printed Book And Related Literature In The British Museum. PP.198-9, London,1962.*
- (8)- *Nau,Francois. Revue De L Orient Chretien.Dewxieme Serie,Tom 6.(16). Paris,1911.PP.200-204.*
- (9)- *Wright,William. Journal of The Royal Asiatic Society. on artacle , " Q specimen of a Syriac Version of the Kalilah wa Diminae " Vol.7 1875.*
- (10)- *Wright William. " A Short History Of Syriac Literature. " Amsterdam, 1966. PP.124,239-241.*
- (11)- *Revue De Deux Mondes.No.107,Paris,1878.*

يادداشتها

- |                         |   |
|-------------------------|---|
| 1- Gottingen University | 15. Abbe Du Bois.   |
| 2. Periodeutes bodh.    | 16. Bickell,G.  |
| 3- Abd -Isho.           | " Kalilas Und Dimnag, Altistrische<br>Übersetzung.... Mit Einer Einleitung<br>Von Theddore Benfey , Liepzig,1876. |
| 4- Gustav Bickell.      |   |
| 5- Theodore Benfey.     | 17. Carl Eduard Sachau.   |
| 6- Max Muller.          | 18. Louis Blumenthal.   |
| 7- Albert Socin.        | 19. Johannes Hertel.  |
| 8- Mardin.              | 20. Friedrich Schulthess.   |
| 9. Rabi Joel.           | 21. Shatrabeh   |
| 10. Jean De Capoue.     | 22. Shanzabeh   |
| 11. Derenbourg.         | 23. Schleifer, J.   |
| 12. Raymond De Beziars. | " Studien in Kalila Wa Dimna, "   |
| 13.Simeon Seth.         | Wiener Zeitschrift Fur Die Kunde  |
| 14. Galando.            |   |

- Des Morgenlandes. Bd,29 PP.339-419. Wien, 1915.*
24. *Theodore Noldeke.*
25. *William Wright.*
26. *Journal of The Royal Asiatic Society. Vol.7 London, 1875.*
- " *A Specimen of A Syriac Version of The Kalilah Wa Dimnah. "*
27. *I.G.N. Keith- Falkoner.*
28. *Rene Leger Marie Grafm.*
29. *Francois Nau.*
- " *Revue De L Orient Chretien. "*
- Deuxieme Serie. Tom 6. (16).*
- Paris, 1911. PP. 200-204.*
- (۳۰) - در دائرة المعارف آمریکانا چاپ سال ۱۹۶۳ جلد سوم صفحه ۶۸۷ می نویسد: اصل کتاب به زبان سانسکریت که احتمالاً در قرن سوم میلادی نوشته شده امروزه در دست نیست اما کتب دیگری که متأخرترند بنامهای پنجه‌تترا و هیتو پادسا موجود می‌باشد.
- ۳۱- در کتاب " انتقال علوم یونانی بعالم اسلامی " تألیف دلیسی اولبری، ترجمه احمد آرام، دانشگاه تهران ۱۳۴۲ ص ۹- ۱۰۸ چنین آمده است: پزشکان یونانی برای بعضی از گیاهان که تنها از هند بدست می‌آمد، اهمیت و خواص فراوان قائل بودند، و به همین جهت خسرو اول مردی را به نام " بذ " که طبیب سیاح مسیحی یا کشیش دهستانها بود، مأمور کرد برای جمع‌آوری گیاهان طبی به هند سفر کند. به این " بذ *Bodh* " کتابی منسوب است به نام الف میگن که آن را تفسیری از کتاب اول طبیعی ارسطو دانستند و نسخه آن در دست نیست و نیز نسخه سریانی مجموعه‌های از داستانهای هندی (بودایی) به نام کلیگ و دمنگ باو منسوب است و چنانکه عبدایشوع گفته است هیچ احتمال آن نمی‌رود که " بذ " این کتاب را از اصل هندی آن به سریانی ترجمه کرده باشد، و بی شک ترجمه وی از روی نسخه پهلوی یا فارسی آن بوده است.
32. *Arsenami.*
33. *Hezghiel. (Ezechiel) (567-580)*
34. *Library Of Trinity College, Dublin*
35. *Antoine Lsaac Silvester (Baron) De Sacy.*
36. *Lgnazio, Guidi.*
37. *Joussouf Audo.*
38. *Mgr.Thomas Audo.*
39. *Domincains.*
40. *Lazirist.*